

### ضرب آهنگ

### حسین علیزاده ونسل ما

### نگار بویان

● **حسین علیزاده** را نسل ما چگونه می‌شناسد؟ نسلی که در کودکی، آثار او را از کانون پرورش فکری و بعد با مرکز حفظ و اشاعه و باز بعد از آن در چاووش می‌شنید، می‌آموخت، می‌خواند، شاید می‌نواخت و حتما می‌زیست. نسلی که نوجوانی‌اش را با ترکمن، شورانگیز، راز و نیاز، نینوا، سروده‌های آذربایجان و هجرانی شکل می‌داد و در جوانی، دنیایش را با تنوع بی‌نظیری از محتوای موسیقی علیزاده می‌ساخت و می‌پرورد که در تک‌نوازی‌هایش روی صحنه، گروه‌نوازی‌ها و ترکیب‌ها و رنگ‌آمیزی‌های تا آن روز شنیده‌نشده‌اش از آواز و سازهای ایرانی و موسیقی‌هایش برای فیلم آفریده و شنیده می‌شد. مجموعه آثار او که این دنیا را برپایمان هم می‌ساخت و هم پیوسته از مرزهایش به بیرون می‌گسترد، زیادتر از آن است که حتی فهرست گونه‌هایش را بتوان سریع در ذهن آورد؛ زیاد و آن‌قدر متنوع که پشت سر هم گوش‌دانشان از شگفتی ترس آور می‌شود.
چطور می‌شود یک نفر همه این صداها و نغمه‌ها و در واقع این همه دنیای متفاوت و رنگ‌به‌رنگ را در درون خود زیسته باشد؟ می‌گویم زیسته باشد، چون یقین دارم تک‌تک آنها حاصل درهم‌آمیزی میراث آموخته‌اش با عشق جلیلی درویش، یافته‌هایش و یک تجربه زیسته واقعی اوست؛ مانند حالی از شیدایی، تب و هذیان که به نقل از خودش در قطعه ترکمن به آفرینش رسید.

اما مگر کار هنر و هنرمند چیست؟ شاید پاسخ این سؤال را نتوان آفرینشگران و مخاطبان هنر باشد؛ اما برای من تعریفش ساده است: کار اصلی هنرمند کشف است و ثبت و بازآفریدن آن کشف؛ کشف یک آن، یک فکر، یک احساس، یک موقعیت، یک فضا، یک ساختار، یک خیال، یک کُنْج نامکشوف، یک موجود فعلا ناموجود تخیلی، یک جهان ذهنی. البته هنرمند برای اینکه بتواند آن کشف‌شده‌اش را با دیگران شریک شود، به چیزی که قدیم‌تر صنعت می‌گفتند، نیاز دارد: ابزارها و مهارت‌هایی که برای ثبت و بازگویی آن کشف یا چنان‌که بعضی‌ها نامش می‌دهند: الهام، در دست دارد و هرچه دشتش از آنها پرت، بازآفرینی‌اش به آنچه می‌خواسته نزدیک‌تر، آنکه صنعت کار را خوب می‌داند و اهل کشف هم هست، اگر عاشق هم باشد، دیگر ناگزیر است. ناگزیر است از بازآفریدن درویش در بیرون. ناگزیر از شریک‌کردن دیگران در دنیایی که بر او گذشته یا او از آن گذشته است و ناگزیر است از گسترش مرزهایش به فراخ‌وار آن دنیاها که بعد از آنها ناموجود را موجودکردن در محدوده مرزهای پیشین.

شاید همین نکته باشد که به سهو بعضی را با واژه نوآوری به گمراهی برده؛ غافل که نوآوری هدف نیست؛ اتفاقی ناچار است برای بازآفریدن آن یافته، آن کشف، آن الهام، وقتی چیزی دیده‌ای که پیش از این نامی نداشته که پیش از تو کسی آن را به نامی نخوانده است. اما هر بازآفرینی هم حتما با اندوخته‌های قبلی ممکن می‌شود. هیچ کاشفی بی هیچ پیشینه و اندوخته‌ای نمی‌تواند بود و کشفی نمی‌تواند کرد.
کار هنرمند کشف آنهاست در درون و خلقشان در بیرون برای دیگرانی که با آثار او آن دنیاها را آرام آرام و شاید خیلی با تأخیر تجربه می‌کنند و حتی شاید سال‌هایی بسیار دیرتر فقط بخشی از آن را فهمیده و زیسته باشند. اما این دیگران، کم یا بیش، دیر یا زود دنیایشان را با آثار او به شکلی دیگر ساخته‌اند و در مرزهای گسترش‌یافته او که در ابتدا غریب می‌نمود، به واقع زندگی می‌کنند؛ زندگی ذهنی و احساسی و درونی. هنرمند این گونه، معمار یا خالق بخشی از دنیای دیگران شده است؛ دنیایی که بزرگی‌اش به تناسب گستردگی مرزهای اوست. شاید هم به همین سبب است که جدیدترین و پیگیرترین طرفداران خلاق‌ترین هنرمندان، همیشه تند و تیزترین منتقدان اویند. زندگی در دنیایی که هنرمند برای آن دیگران ساخته، یک واقعیت است، یک واقعیت کاملا جدی. کیست که از زندگی در یک دنیا و ناخوشایند یافتن گوشه‌هایی از آن، پیش خالکش شکایتی نبرده باشد؟

حسین علیزاده‌ای که نسل من می‌شناسد، در تمام این سال‌ها نه تنها هیچ‌گاه از کارش نکاسته و نکاهیده و پیوسته موسیقی آفریده است، بلکه همیشه به عشقش به موسیقی و نیز به آنچه به عنوان نقش هنرمند موسیقیدان در جامعه می‌شناسخته، پایبند بوده و در کنارش هرچه می‌توانسته برای آموزش و پرورش جوان‌ترها کرده است. اما به گمان من مهم‌تر از هر چیز، حسین علیزاده موسیقیدانی است که دنیایی دیگر ساخت؛ چنان‌که یک هنرمند می‌سازد. دنیایی که دوستداران اغلب از آن با مثال راز نو یاد می‌کنند. اما قطعا به‌هیچ‌وجه به آن منحصر نیست. دنیایی که از کودکی تا اکنون که دیگر میان‌سال شده‌ایم، با ماست و مرزهای گسترده‌اش اکنون سرزمین زندگی شخصی و موسیقایی‌مان شده است. سرش سبز و دلش خوش باد؛

**«به یاد این مصراع حافظ: سرت سبز و دلت خوش باد جویبد**

**گروه هنر:** هفت سال است با نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان، بسیاری از مخاطبان رسانه ملی تمایل خود را برای پخش صدای «رینا»ی محمدرضا شجریان ابراز می‌کنند. امسال نیز درحالی‌که کمتر از یک هفته به ماه مبارک رمضان باقی مانده بود، بار دیگر اخباری دراین‌زمینه منتشر شد. یک منبع آگاه پنجشنبه گذشته از نامه‌ای خبر داد که «سیدرضا صالحی‌امیری»، وزیر ارشاد، برای رئیس سازمان صداوسیما نوشته و در آن خواستار پخش «رینا»ی استاد محمدرضا شجریان در ایام ماه مبارک رمضان شده است. این منبع آگاه به ایرنا گفت: این نامه در حاشیه نشست روز چهارشنبه اعضای کابینه «حسن روحانی» تسلیم «عبدالعلی علی‌عسکری»، رئیس سازمان صداوسیما شده است.

هنوز درباره تصمیم‌گیری در زمینه پخش «رینا»ی استاد شجریان در ایام ماه رمضان سال ۹۶ خبری منتشر نشده است. موضوع این نامه در چند ساعت گذشته در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شده است. محمدرضا شجریان پیش‌تر بارها گفته

### «کیوان ساکت» و ماجرای بنرهای پاره‌شده

## گروه فشار حریف آبادانی‌ها نشد

**گروه هنر:** با توجه به تهدیدها و پاره‌شدن بنرهای تبلیغاتی، با مساعدت نیروی نظامی و همدلی مسئولان موسیقی، کنسرت کیوان ساکت در آبادان، شامگاه جمعه، پنجم خرداد برگزار شد.پیش از آغاز کنسرت با کیوان ساکت، آهنگ‌ساز و نوازنده، گفت‌وگو کردیم. این آهنگ‌ساز و نوازنده درباره اتفاقات پیش‌آمده در آبادان گفت: «برخلاف آنچه برخی از گروه‌های فشار انتظار داشتند، می‌دانم که استقبال از کنسرت ما بسیار خوب است و جای شکرش باقی است». او درباره بنرهای پاره‌شده و تهدیدشدنش از سوی گروه‌های فشار ادامه داد: با توجه به اینکه من هم مثل هنرمندان دیگر در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم از روحانی حمایت کرده بودم، موجب

سوءبرداشت‌هایی شده بود و دخالت نیروی انتظامی

و همدلی اهالی موسیقی باعث شد که اینها متوجه اشتباهشان بشوند.او افزود: ما هم در آبادان با نیت آشتی و صلح برنامه اجرا می‌کنیم و هیچ کنه‌ای از هیچ‌کس نخواهیم داشت و این به‌نفع همه خواهد بود.او تاکنون در آبادان کنسرت اجرا نکرده و این برای نخستین‌بار است که در آنجا موسیقی ایرانی را روی صحنه می‌برد

### نامه‌نگاری برای پخش «رینا»؛

# «سیما» صدای شجریان را آزاد می‌کند؟



بود «رینا» متعلق به مردم است. دعای ربیانی که محمدرضا شجریان خوانده، برآمده از آموزش‌های

قرآنی او نزد پدرش است. شجریان، رینا را برای نخستین‌بار در تیر ۱۳۵۸ر استودیویی در رادیو ایران

### «حسین علیزاده» بار دیگر افتخار آفرین شد

## برنده جایزه موسیقی جهانی آسیا

**شرق:** دومین جایزه موسیقی جهانی آسیا از سوی مرکز موسیقی جهان در کره‌جنوبی به حسین علیزاده، آهنگ‌ساز و نوازنده مطرح کشورمان، تعلق گرفت.
این بنیاد که با عنوان مرکز موسیقی جهان فعالیت می‌کند، هر دو سال یک‌بار در مراسمی از هنرمندانی که باعث ارتباط کشورشان با دیگر نقاط جهان، به‌خصوص کشورهای آسیایی شده‌اند تقدیر می‌کند.

پیش از این در سال ۲۰۱۴ این جایزه به یویوما تعلق گرفت و اینک در ۴ خرداد ۹۶، مصادف با ۲۶ می ۲۰۱۷ جایزه این بنیاد به مسئولان فرهنگی سفارت ایران در کره به نمایندگی از حسین علیزاده اعطا شد.

حسین علیزاده در نامه‌ای خطاب به مسئولان این بنیاد نوشت: «به نام آنکه عشق را آفرید... از دوران کودکی هنگامی که روح و جانم را به موسیقی می‌سپردم، ندایی به گوشم می‌رسید که می‌گفت: این دانی خوشبختی چیست؟ و من با دلی روشن می‌گفتم: خوشبختی یعنی شنیدن نغمه‌هایی که از دل فرشتگان تاریخ، جاری‌ست. نغمه‌هایی



از ریاست محترم آقای Mr. Kang Sun-dae
سپاس‌گزارم از دانشگاه هنگ یانگMr. Lee Hee-su و کلیه بانیان و دست‌اندرکاران این مراسم.
همچنین سپاس‌گزارم از مسئولین محترم سفارت ایران در سئول- کره که قبول زحمت نموده به نمایندگی از طرف اینجانب این جایزه بالارزش را دریافت می‌کنند».

## فرح‌بخش: نوشتنم تا راهی باز شود

دقیقا رصد می‌کند. من هم همیشه دوران، نه اصولگرا و نه اصلاح‌طلب بوده‌ام؛ بلکه خود را پیرو مکتب اهل بیت سلام‌الله‌علیه‌ها می‌دانم که همان خط‌مشی اعتدالی است. به فرموده امام صادق(ع)، هرکه جلوتر از ما حرکت کند، می‌سوزد و هرکس از ما عقب بیفتد، هلاک می‌شود. متأسفانه مدیرمسئول «کیهان» معمولا مطالبی را به افراد نسبت می‌دهد که حقیقت ندارد. معمولا هرکسی مخالف نگاه ایشان عمل کند، به چوب ناسزا و اتهام رانده می‌شود. به همین دلیل ناچار شدم نامه‌ای سرگشاده خطاب به ایشان بنویسم. مگر ایشان در جایگاهی قرار دارند که به ملت توهمین می‌کنند. خیلی به متخیان مردم انگ بیگانه‌پروری می‌زند و آنها را به ضدیت علیه نظام جمهوری اسلامی و مردم متهم می‌کند.

در موارد متعدد علیه هنرمندان؛ پرونده‌سازی می‌کند؛ ازجمله اینکه در سال ۱۳۹۱ خطاب به خودم نوشت که من در ابتدا تدارک‌ناچی بودم و با پارتی‌بازی تهیه‌کننده شدم و حالا هم مشغول برج‌سازی در شمال تهران هستم! جل‌الخالق. همه می‌دانند من در سال ۱۳۶۱ با فیلم «رشد در خون» به کارگردانی سیروس لوند برای نخستین‌بار تهیه‌کنندگی را در سینما تجربه کردم. قبل از آن هم اصلا در سینما حضور نداشتم.



## «من هنرمندم»؛ به کوشش رامین اعتمادی‌بزرگ

تقاضی‌هایی با متریال موی بدن هنرمند، رامین اعتمادی‌بزرگ، پارچه بوم و موم هستند. در اجرای پرفورمنسِ آرت «من هنرمندم...»!، ادا شد، پوریا کیا، رزا صدر و سیاوش دیهیمی به‌عنوان همیاران اجرا حضور داشته‌اند، مانی بنایی روند خلق این اثر را ثبت کرده و زهره معتمدی تدوین ویدئو را برعهده داشته است. اعتمادی در توضیح رویداد به‌نمایش‌درآمده در گالری دنا نوشته است: «پرفورمنسِ آرت «من هنرمندم» چهار سال پیش مقارن با همین ایام در آتلیه گیلکمش در مقابل دوربین اجرا شد. نقاشی‌های حاصل از آن در «امری ویل» آمریکا در ماه می ۲۰۱۴ به نمایش درآمد و در فوریه همان سال در شهرک هنرمندان پاریس (سینۀ اینترناسیونالۀ نیز بخشی از عکس‌ها و نقاشی‌ها روی دیوار رفت، اما مجموعه کامل آن به‌همراه ویدئوآرت این پرفورمنسِ آرت هرگز پیش از این به نمایش درنیامده است.»

### چهره روز

به‌انگیزه جشن‌سپاس از تکرار امید

### قربانی، طلسم موسیقی «مشهد» را شکست



● **گروه هنر:** علیرضا قربانی، خواننده معروف کشور، طلسم برگزاری کنسرت در مشهد را شکست. این خواننده عصر پنجشنبه، چهارم خرداد در جشن‌سپاس از حضور و حماسه‌آفرینی مردم مشهد در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری با عنوان «تکرار امید» به اجرای زنده در ورزشگاه کارگران مشهد پرداخت. جشن «تکرار امید» با حضور جمع بسیاری از اعضای ستادهای تبلیغاتی، حجت‌الاسلام دکتر روحانی، اعضای منتخب شورای اسلامی مشهد و مردم این شهر در سالن ورزشی کارگران مشهد برگزار شد. در این مراسم گروه موسیقی «اشتیاق» به سرپرستی علیرضا قربانی پس از سخنرانی‌هایی که برای این برنامه تدارک دیده شده بود، چهار ترانه با عنوان‌های ارغوان، شب دهم، مدار صفر درجه و بی‌تابی را اجرا کرد. بنلوفر محبی، از اعضای گروه موسیقی علیرضا قربانی، با انتشار عکسی از برگزاری کنسرت این گروه در مشهد در صفحه اینستاگرامش، در این خصوص نوشت: «طلسم کنسرت در مشهد شکسته شد، همین الان که دارم این پست‌رو می‌ذارم همکارانم به‌همراه آقای علیرضا قربانی در مشهد در حال اجرا در سالن چندده‌هزارنفری هستن و یک اتفاق تاریخی رو رقم زندن خیلی خوشحالم و امیدوارم ادامدارار باشه.به امید روزی که ما خانم‌ها هم در مشهد و بقیه شهرهایی که بهمون اجازه ورود روی سن رو نمیدن بتونیم در کنار بقیه همکارانمون کنسرت اجرا کنیم».

### زیر آسمان فیر وزم‌ای

### بزرگداشتی برای مدیرنشر مرکز

● **شرق:**مراسم اختتامیه سومین دوره جایزه فرشته با اجرای مسعود فروتن و با حضور احمد مسجدجامعی، احمد پوری، لیلی گلستان، فریا وفی، سیامک کلشیری، محمد چرمشیر، پوریا عالمی، عباس یاری، ابراهیم حقیقی، علیرضا رضانی، بهرام دهقانی، مرضیه برومند، محمدرضا غفاری، حسن زاهدی، علیرضا تابش، منوچهر شاهشواری، فرشته طائویر، غزل شاکری، همایون ارشادی، حبیب رضایی و... عصر پنجشنبه چهارم خرداد در مجموعه فرهنگی هنری شهرکتاب فرشته برگزار شد.در ابتدای مراسم، سیدصالح بهشتی، مدیر مجموعه شهرکتاب فرشته درباره چگونگی شکل‌گیری این جایزه گفت: «هنگامی که شهرکتاب راه‌انداز شد آرزوی ما این بود که تنها شهر کتابی باشیم که بیشترین اتفاقات فرهنگی هنری در آن برگزار شود و همین شد که در سه سال اخیر شاهد برگزاری بیش از ۴۰۰ برنامه در حوزه‌های مختلف فرهنگی بودیم».او در ادامه عنوان کرد: «جنس جایزه فرشته متفاوت با رویدادهایی بود که در شهرکتاب برگزار شد و علت این تفاوت این است که این جایزه در شهرکتاب فرشته متولد شد و همه ما بدون هیچ چشم‌داشتی به تولد آن کمک کردیم. اتفاقی که مهم‌ترین هدفش ایجاد پل ارتباطی میان جوانان مستعد و علاقه‌مند به حوزه ادبیات بود. اتفاقی که در دوره سوم افتاد این بود که صدای ما بیرون از مرزهای ایران نیز شنیده شد و تعدادی از شرکت‌کنندگان ما کسانی بودند که خارج از ایران زندگی می‌کنند. ما در دو دوره گذشته امکان فراهم آوردیم تا آثار برگزیده‌ها هر دو دوره به شکل کتاب منتشر شود».در ادامه مراسم فیلم کوتاهی از دومین دوره جایزه فرشته پخش شد و پس از آن سیامک کلشیری، پوریا عالمی و محمد چرمشیر برای اهدای جوایز نفرات دهم تا چهارم بخش داستان روی سن آمدند که اسامی برندگان به این شرح است: (به ترتیب نفرات دهم تا چهارم) لیلی عرفانیان، حمید رضاشاد، روشمک مرادی، سارا ازدرتاج‌دینی، آرش محمودی‌سرداری، معصومه دکزایی‌بین‌کلایه، میثم فرهمندیان. در ادامه بزرگداشتی برای «علیرضا رضانی»، مدیر نشر مرکز، برگزار شد؛ ابراهیم حقیقی نخستین سخنران این بزرگداشت بود. او عنوان کرد: «من به‌شخصه از سال ۷۶ با علیرضا به عنوان طراح جلد همکاری‌ام را آغاز کردم؛ همکاری‌ای که خیلی زود تبدیل به دوستی شد. چند سال پیش قراردادهایی که بین من و ایشان نوشته شده بود را مرور می‌کردم؛ چیزی قریب به هزار نسخه بود. افتخار دوستی با او چنان برابرم مغتنم بود و هست که احساس دلتنگی زیادی می‌کنم».لیلی گلستان گفت: «۴۷ سال است که مترجم هستم و در ۲۷ سالگی کتاب زندگی و دیگر هیچ را ترجمه کردم. در تمام مدت فعالیت‌م در این عرصه با پنج ناشر بیشتر کار نکردم و بیشترین کتاب‌های من را نشر مرکز منتشر کرد. آقای رضانی انسان محترمی است؛ هم خودشان و هم سایر همکارانشان از این اختراعات. از خصوصیات بارز ایشان منضبط‌بودن و سخت‌گیربودنشان است».احمد مسجدجامعی سخنران بعدی این بزرگداشت بود که گفت: «یکی دیگر از ویژگی‌های مهم نشر مرکز این بود که تبدیل به باتوق نویسندگان و مترجمان شد و رفتار و شـخصیت آقای رضانی نیز به نوبه خود سبب احترام هرچه‌بیشتر به این حوزه شد».